

قلعہ کی تبریز

خان محمد خان ملقب بہ حاجی آقا خان در ہفدہم محرم ۱۲۶۸ ہجری قمری بہ حکم ناصرالدین شاہ قاجار بہ عمل باغشمال و خلعت پوشان و عمارات آنہا مامور و بہ کدخدائی محلات مہاد مہین و ارامنہ تبریز منصوب گردیدہ است . در شوال ۱۲۷۰ پس از مرگ پدرش مہدی خان تبریزی قور یساوول باشی ناصرالدین شاہ موجب پدر در حق او مقرر شدہ است . و در همان تاریخ بہ منصب کوتوالی و قلعہ بیگی تبریز رسیدہ . در حیات پدر در بیست و ششم شعبان ۱۲۶۹ با دختر محمد تقی خان نام ازدواج کردہ است . در محرم ۱۳۰۱ بہ پیشنہاد ولیعہد (مظفرالدین میرزا) بہ دریافت یک قطعہ نشان حمایل از درجہ سرتیپی دوم از طرف شاہ قاجار و در ۱۳۰۰ ہ بہ نشان درجہ دوم مجیدی از سلطان عبدالمجید عثمانی نائل آمدہ است .

در اواخر عمر از خدمت ناخرسند بودہ است و طی نامہی تند رخصت ترک خدمت خواستہ از نداشتن لوازم و وسائل کار و پرداخت نشدن مطالبات خود از دولت شکایت کردہ است . ناصرالدین شاہ در صدرہمان نامہ ، اورا پاسخ نوشتہ و امیدوار کردہ . اینک متن این فرمانہا :

فرمان کدخدائی :

" الملک اللہ . السلطان بن السلطان ناصرالدین شاہ قاجار . ہو . عالیجاہ حاجی آقاخان کدخدا ہمراحم والطف خدیوانہ مفتخر و مباهی بودہ بدانند بقراری کہ از جانب اولیای دولت علیہ قاہرہ عمل باغشمال و خلعت پوشان و عمارات آنہا تا وفات نایب السلطنہ میرورالبیسہ اللہ تعالیٰ حلال النور و خالصہ رودخانہ تبریز و کدخدائی محلہ مہاد مہین و ارامنہ بمعہدہ خدمتگزاری آن عالیجاہ محول بود باید خود رامستقل دانستہ نہایت اہتمام و جان نثاری در تعمیر و آبادی املاک مزبورہ و ترفیہ و آسودگی رعیت محلہ بکار دارد و کمال کاردانی و حسن خدمتگزاری بعمل آورد کہ عموم رعیت بجان و دل و خلوص نیت دعاگوی ذات بیہمال اعلیٰ حضرت اقدس ہمایون شاہنشاهی باشند و سرموئی بفقرا ظلم و اجحاف نشود حسب المقرر مرتب داشتہ در عہدہ شناسد حرر فی ۱۷ شہر محرم الحرام سنہ ۱۲۶۸ " و شاہ خود در حاشیہ نوشتہ است " صحیح است . البتہ محلہ ، را در کمال نظم نگاہ دار "

فرمان قلعه بیگی

"بسم الله الرحمن الرحيم . چون که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت ، صیت دادو معدلت از ماه تا ماهی گرفت . چون مراسم استعداد و لیاقت و مراتب استعداد و قابلیت عالیجاه رفیع جایگاه صداقت و ارادت همراه مجدت و نجدت اکتناه خلوص و عقیدت انتباه نتیجه الخوانین العظام حاجی آقاخان از منقول و مروی و مسموع و مرئی بطورهای خوب در پیشگاه حضور فیض گنجور بمنصه ظهور رسید و جوهر ذاتی و کیاست او بطرز شایسته در نظر انور جلوه گر آمد خاصه این اوقات که زیارت آستان آسمان نشان مستفیض و شرفیاب گشت از وجنات احوال و ناصیه حال او معلوم و مشهود افتاد که باجود ربیعان شباب و عنفوان جوانی چون پیران مجرب و کار آزموده و کارداناان مهذب و سرود گرم چشیده سر برخط اطاعت نهاده در آستان خدمت به پای صداقت ایستاده و چشم براه عبودیت گشاده و دست بسوی ارادت گشوده مستوجب هر نوع خدمت و مستعد شمول مکرمات است بناء علیهذا المراتب در هذه السنه مبارکه بارس ثیل فرخنده دلیل و مابعد هاساحت اعتبار او را با نوار آفتاب عنایت ملوکانه منور و به منصب جلیل و شغل نبیل کوتوالی و قلعه بیگی شهر تبریز مفتخر فرمودیم که چنانچه شاید و باید و از حسن کردانی و درایت او سزد و آید در لوازم منصب مزبور کفایت های کافی به بتقدیم رساند مقرر آنکه عم اکرم کامکار نصره الدوله فیروز میرزا صاحب اختیار آذربایجان منصب مرقوم را بعالیجاه مشارالیه واگذار نماید المقر کتبه کرام شرح فرمان قضانظام را ثبت و ضبط نموده و در عهده شناسند تحریرا " فی شهر شوال المکرم ۱۲۷۰ "

نشان درجه سرتیپی

" چون که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت - صیت دادو معدلت از ماه تا ماهی گرفت چون ادای مقتضای حق شناسی و پاس خدمات چاکران همواره منظور نظر مرحمت اثر ملوکانه و مفطور ذات ملکی صفات خدیوانه است و در این اوقات مراتب خدمت گزاری و مراسم ارادت و دولت خواهی مقرب الخاقان عمده الامثال والاعیان حاجی آقاخان قلعه بیگی تبریز بتوسط فرزند اجل اسعد افخم کامکار و لبعهد دولت جاوید قرار صاحب اختیار مملکت آذربایجان در حضور معدلت دستور ملوکانه معلوم و مشهود گردید لهذا محض مرحمت حسب الاستدعای فرزند کامکار مقرب الخاقان مشارالیه را باعطای یک قطعه نشان حمایل از درجه سرتیپی دوم قرین افتخار و امتیاز فرموده مقرر میداریم که فرزند اجل اسعد اکرم صاحب منصبان نظام و خادمان و چاکران دولت ابد فرجام رعایت احترام او را در خور این منزلت ملحوظ دارند المقر عالیجنابان فخامت و مناعت اکتسابان مقرب الخاقان مستوفیان عظام و کتاب سعادت فرجام شرح فرمان قضا جریان همایون را در دفاتر خلود و دوام ثبت و ضبط نموده و در عهده شناسند فی شهر محرم الحرام سنه ۱۳۰۱ . " شاه در حاشیه نوشته است " صحیح است " .

تقاضای مرخصی

قربانت شوم . رفقه خدمت مقرب الخاقان منشی باشی نوشته بودم پاکت جنابان نصرالدوله و امین الملک فرستاده ام اینک مرخصی خواسته بودم اینک انفاذ حضور مبارک گردید جواب نوشته اند قربانت شوم بنده در تبریز کاری ندارم اگر محله است از آن بابت تعهد هم کرده بودم اگر عیب و نقصی بکنند از عهده بر آیم وانگهی محله کدخدا دارد اگر مرخصی نفرمایند بنمک حضرت والا رفع اشرف والا روحی فداه استعفا خواهم کرد سهل است بلکه در بقعه جناب سید حمزه بسنی خواهم شد علاوه بر این فدوی بقدر پانصد تومان قرض نموده ندارم دیده ام اگر مطالب فدوی با نوشتن درست میشد در عرض چند سال درست میشد استدعا دارم هر طور هست اذن مرخصی بگیرم اگر در تبریز ناچار بشوم بمانم سوای امورات محله خودم بکار دیگری دخل و تصرف نخواهم کرد فدوی کدام اسباب قلعه - داری را دارم که مسئولیت آنهم با فدوی باشد از همه گذشته مزاجم علیل شده میخوام بدهم در تهران معالجه کنند جناب حکیم طولوزان چنین قرار داده

قربانت شوم

رفقه خدمت مقرب الخاقان منشی باشی نوشته بودم پاکت جنابان نصرالدوله و امین الملک فرستاده ام اینک مرخصی خواسته بودم اینک انفاذ حضور مبارک گردید جواب نوشته اند قربانت شوم بنده در تبریز کاری ندارم اگر محله است از آن بابت تعهد هم کرده بودم اگر عیب و نقصی بکنند از عهده بر آیم وانگهی محله کدخدا دارد اگر مرخصی نفرمایند بنمک حضرت والا رفع اشرف والا روحی فداه استعفا خواهم کرد سهل است بلکه در بقعه جناب سید حمزه بسنی خواهم شد علاوه بر این فدوی بقدر پانصد تومان قرض نموده ندارم دیده ام اگر مطالب فدوی با نوشتن درست میشد در عرض چند سال درست میشد استدعا دارم هر طور هست اذن مرخصی بگیرم اگر در تبریز ناچار بشوم بمانم سوای امورات محله خودم بکار دیگری دخل و تصرف نخواهم کرد فدوی کدام اسباب قلعه - داری را دارم که مسئولیت آنهم با فدوی باشد از همه گذشته مزاجم علیل شده میخوام بدهم در تهران معالجه کنند جناب حکیم طولوزان چنین قرار داده

بودند بعد از برگشتن از سفر فرنگستان بطهران بروم معالجه نمایند که آن زخم صدمه وارد شد نتوانست برود این بود استدعا کرده بود قبول هم شده است که معالجه کنم امر امرعالی است " و شاه در صدر نامه نوشته است " قلعه بیگی . مخصوصا (من بتوا اعتماد دارم و بخصوص میل من این است که بدون عذر آمدن خود را موقوف بکنی و مخارجی که تو کرده بی انشاء الله بعد از مراجعت بعلاوه بشما مرحمت خواهم کرد



Handwritten text in a triangular box, possibly a title or a specific note, written in Persian script.

بسم الله الرحمن الرحیم
بفرمودهٔ حضرت آیت الله العظمی...

در این کتاب که در این راه است...
بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم
در این کتاب که در این راه است...

بسم الله الرحمن الرحیم
در این کتاب که در این راه است...

بسم الله الرحمن الرحیم
در این کتاب که در این راه است...